

مطالعه جامعه‌شناختی قتل: شناسایی ریسک فاکتورها

سهیلا صادقی فسایی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۲۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۷/۱۸

چکیده

قتل یکی از جدی‌ترین انواع جرایم خشن است که خسارت‌های جبران‌ناپذیری را بر قاتل، قربانی خانواده‌ها و اعضای اجتماع محلی وارد و احساس امنیت اجتماعی را خدشه‌دار می‌سازد. روش تحقیق، پدیدارشناسی است. در این پژوهش با تمرکز بر داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت‌یافته با ۱۴ قاتل (۱۲ مرد و ۲ زن) بر فهم و شناسایی ریسک فاکتورهایی تلاش شده است که در توضیح چرایی و چگونگی شکل‌گیری پدیده قتل مؤثرند. نتایج نشان می‌دهد که در فهم قتل باید به تعاقب رفتارهای ضداجتماعی و ریسک فاکتورهایی که در سطح فردی، خانوادگی، محلی و جامعه‌ای در طول زمان بر سبک زندگی اثر گذاشته‌اند، توجه کرد و این مسئله را در نظر گرفت که چگونه رفتار انحرافی از سنین پایین توسعه می‌یابد و در طول زندگی به چیزهای دیگر تبدیل می‌شود. به عبارتی باید رفتاری که سنگ بنای رفتار دیگر می‌شود و یا حتی رفتارهای غیر جرمی که می‌تواند به رفتارهای جرمی کشیده شود و یا دلالت‌هایی برای کجروی در مراحل بعدی زندگی داشته باشد، شناسایی شود. مصاحبه‌های عمیق حاکی از آن است که عمده پاسخگویان در دوران کودکی خود به نوعی درگیر رفتارهای ضداجتماعی چون ولگردی، پرسه‌زنی، کفتربازی، پرخاشگری، آزار حیوانات و شرارت بوده‌اند و رفتارهای انحرافی در طول زندگی آنها توسعه یافته است. لذا شناسایی ریسک فاکتورها و کنش و واکنش میان آنها از اهمیت خاصی برخوردار است.

کلیدواژه‌ها: توسعه جرم، روش کیفی، ریسک فاکتورهای فردی، خانوادگی، محلی، جامعه‌ای، قتل.

بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۳، ص ۲۱۸-۱۹۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. نویسنده مسئول، دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران. ssadeghi@ut.ac.ir

این مقاله مستخرج از تحقیق «جامعه‌شناسی قتل در تهران» به سفارش مرکز مطالعات اجتماعی و جرم‌شناسی، معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه است و نویسنده بر خود لازم می‌داند که از آقای قاسم خدادادی ریاست محترم وقت این مرکز سپاسگزاری کند.

مقدمه و طرح مسئله

در اوایل قرن هجدهم گفتمان مسلط درباره جرم و قتل، عمدتاً گفتمان‌های دینی است. در این گفتمان جرم به عنوان گناهی بزرگ مطرح می‌شود و قاتل به مثابه گناهکاری است که تنها تفاوتش با بقیه اعضای جامعه در این است که پلیدی درونش به ناگزیر وی را به سوی جرم سوق داده است. اعدام قاتلان در ملأعام این فرصت را برای سایرین فراهم می‌سازد که گناه را در چهره مجرم ببینند، مجرمی که اساساً اعمالش غیر قابل درک و غیر طبیعی تلقی می‌شد. در اواخر قرن هجدهم که حقوق‌دانان جای مردان کلیسا را می‌گیرند مسئولیت‌های اولیه آنها برای خلق داستان‌های جرم و قتل آغاز می‌شود و گفتمان‌های دینی جای خود را به گفتمان‌های حقوقی در غرب می‌دهد و کم‌کم این تغییر نگاه حاصل می‌شود که فرد گناهکار تبدیل به یک هیولای اخلاقی می‌شود که منفصل از جامعه است. بدون تردید هر دو سر این طیف افراطی به نظر می‌رسد و کمتر مورد علاقه جامعه‌شناسان است.

در مراحل بعدی، مفهوم روشنگری از قاتل به عنوان فردی که اساساً آزاد است و عقلانی عمل می‌کند و جرم وی ماحصل انگیزه‌های اوست، یاد می‌کند و این ایده تشویق می‌شود که مجرم باید سریعاً تنبیه شود. اگر چه در طول تاریخ افراد به کارهای وحشتناکی دست می‌زدند ولی همان‌طور که لی می‌گوید جرم‌شناسی پدیده‌ای مدرن است چون در عصر مدرن این رفتارها جرم‌انگاری می‌شود (لی، ۲۰۰۲). جامعه مدرن از جرم، ساختمان‌های مرموز و بلند و ترسناکی می‌سازد که در آن فرد قاتل و مجرم به عنوان «بیگانه‌ای» که از مردم قانون‌گرا و طبیعی جداست، به تصویر کشیده می‌شود. در چنین نگاهی مجرم «دیگری» است که با ما خیلی متفاوت است (گارلند، ۱۹۹۶).

جرم‌شناسی مانند بسیاری از رشته‌های دیگر، با ملاحظات دوران پسا روشنگری به جلو رانده می‌شود و با به آغوش کشیدن شیوه علوم طبیعی، این باور برای عده‌ای از جرم‌شناسان حاصل می‌شود که با مطالعه علمی می‌توان انواع مجرمان را شناسایی کرد.

با توجه به پیچیدگی قتل، هر محقق سعی دارد با تکیه بر ترجیحات نظری خود، چارچوبی مفهومی را برای توضیح قتل فراهم سازد. برای مثال نظریه انتخاب عقلانی بر آن است تا جرم را به عنوان عملی عقلانی تفسیر کند که ملهم از فرصت‌ها و فقدان کنترل است.

جرم‌شناسی فرهنگی بر لذت خلق آسیب‌ها و فریفتگی جرم تأکید دارد و بر جنبه‌های ابرازی و نقش عواطف و هیجان در جرم اشاره می‌کند، در این دیدگاه جرم شیوه‌ای است برای

غلبه بر یکنواختی و به نظر می‌رسد که افراد به وسیله لذت‌های وجودی اعمال انحرافی فریفته می‌شوند.

عده‌ای برای تبیین جرم، تئوری‌های عمومی جرم را برمی‌گزینند. بی‌تردید هر یک از رویکردهای فوق، نقاط قوت و ضعف خود را دارند اما همراه با والاس بر این باوریم که قتل باید به لحاظ کیفی برجسته شود (والاس، به نقل از بروکمن، ۳۰۷). از آنجا که موجودیتی یکپارچه و یک شکل به اسم جرم یا قتل وجود ندارد، قتل یک برساخت اجتماعی است چون گاهی اوقات مشروعیت و مقبولیت می‌یابد، برای مثال می‌توان به کشتن در جنگ و یا به اعدام قاتل اشاره کرد.

بیشتر قتل‌ها در کنش و واکنش‌های یک یا چند نفر که یکدیگر را می‌شناسند، رشد می‌کنند و گاهی اوقات منازعات مسلط بین افراد باعث شکل‌گیری قتل می‌شود. تحلیل کیفی قتل‌های مشخص و متمایز، نکته مهمی را برجسته می‌سازد و آن تضاد بین افراد متفاوت در موقعیت‌های متفاوت و در زمان‌های متفاوت است. به لحاظ ماهیت متنوع قتل، توسعه نوعی نظریه که آن را توضیح دهد اگر غیر ممکن نباشد بسیار سخت است. شاید بتوان قتل را انحراف فردی شده تلقی کرد که در موقعیت‌های اجتماعی ظاهر می‌شود و دربرگیرنده نوعی تضاد بین شخصی، رقابت‌های مالی و جنسی و یا دفاع از قلمرو و ناموس است. قتل و خشونت نوعی پاسخ است موقعیتی که کاربرد خشونت به عنوان یک امر الزامی برای آن موقعیت تعریف شده است. قبل از اینکه چنین رفتاری اتفاق بیفتد، کلیه افراد درگیر به این باور می‌رسند که بدون خشونت و کاربرد آن نمی‌توان تعارضات را حل کرد. به راستی چگونه می‌توان این موضوع را فهمید که فردی می‌تواند جان فرد دیگری را بگیرد؟

مطابق فهم جامعه‌شناختی، رفتارهای انسان نه در خلأ بلکه در زمینه فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرند و جامعه‌شناسی می‌تواند با طرح سؤالاتی ما را در فهم رفتارهای اجتماعی و ضداجتماعی کمک کند. جامعه‌شناسی با طرح سؤالاتی مبنی بر اینکه چگونه قاتل در یک زمینه اجتماعی-فرهنگی می‌تواند به ارتکاب جرم دست بزند و یا قربانی دارای چه ویژگی‌هایی است که در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرد، زمینه فهم ما را از رفتارهای ضداجتماعی فراهم می‌سازد.

نقش نظریه‌ها در تحقیقات کیفی

در کار کیفی آنچه اهمیت می‌یابد دیدگاه سوژه و درک و تصور سوژه از دنیای اجتماعی است که در آن زندگی می‌کند، لذا تحقیق کیفی نقطه عزیمت خود را تئوری خاصی قرار نمی‌دهد و خود را درگیر کاربرد تئوری رسمی نمی‌سازد و اصولاً با داده‌ها و جمع‌آوری آنها آغاز می‌کند؛ اما ذکر این نکته ضروری است که کار کیفی در خلأ نظری صورت نمی‌پذیرد و محقق نمی‌تواند نقش تئوری‌ها را در مرور ادبیات و شکل‌گیری سؤالات نادیده بگیرد؛ اما استفاده محقق از تئوری‌ها بیشتر از آنکه مبنایی و از ابتدای کار مطرح باشد، استنادی و تطبیقی است. مروری بر نظریاتی که در حوزه جرم‌شناسی قتل صورت گرفته به منظور بیان ادبیات نظری و تکنیکی کار است که در بخش تحلیل داده‌ها نیز بعضاً به صورت ارجاعی و استنادی استفاده می‌شود اما به لحاظ ماهیت کیفی کار، این نظریه‌ها کار تحقیقی ما را به هیچ وجه ساختاربندی نکرده‌اند بلکه بحث‌های نظری به صورت طبیعی و از دل داده‌ها ظهور پیدا کرده است.

تبیین‌های بیولوژیک

توضیحات بیولوژیکی از قدمت و سابقه طولانی برخوردار است. این گونه نظریه‌ها در کنار نظریه‌های روان‌شناسانه در پارادایم اثبات‌گرایی فردی قرار می‌گیرند. مطابق رویکرد بیولوژیکی، جرم به عنوان چیزی دیده می‌شود که اساساً به واسطه اجبارهای درون افراد تولید می‌شود. نظریه‌هایی که بر اساس اثبات‌گرایی فردی‌اند، تقریباً به طور انحصاری بر فرد مجرم تمرکز کرده و در این موضوع مشترک‌اند که «قاتل» مقوله مشخص از شخصی است که ویژگی‌های بیولوژیکی و روان‌شناختی خاصی برای کشتن دارد.

قسمت اعظم این گونه نظریه‌پردازی‌ها در کار لمبروزو (۱۸۷۶) دیده می‌شود و بعد از آن نظریه‌هایی قرار می‌گیرند که با توجه به ژنتیک و علم اعصاب شکل گرفته‌اند و نهایتاً نظریه‌های جدید در این حوزه، نظریه‌هایی هستند که راجع به تأثیر دارویی چون مواد مخدر و الکل و تأثیر آن‌ها بر سیستم عصبی بحث کرده‌اند.

اشکال این نظریه‌ها آن است که صرفاً بر فاکتورهای بیولوژیکی تمرکز دارند و از زمینه‌های اجتماعی غفلت ورزیده‌اند.

تبیین‌های روان‌شناختی

از دید نظریه‌های روان‌شناختی، قاتلان از سایر افراد جامعه متفاوت‌اند و ویژگی‌های شخصیتی خاص آنهاست که آنان را به سوی قتل می‌کشاند. این نظریه‌ها عواملی چون عدم کنترل بر خود، خشم غیرقابل‌کنترل، عدم اعتماد به نفس، تجربه آزارهای روحی و روانی را در بروز رفتارهای خشن مؤثر می‌دانند. عده‌ای از روانشناسان بر این باورند که تضادهای روانی-درونی افراد و شخصیت روان‌پیش و روان‌رنجور، آنها را به سوی خشونت و ارتکاب قتل می‌کشاند. یکی از مشکلات اساسی متدولوژیک که در نظریه‌پردازی‌های بیولوژیکی، ژنتیکی و روان‌شناختی دیده می‌شود این است که آنها مفاهیم جرم و مجرمیت را مفاهیم سرراست و بدون ابهام می‌دانند و حال آنکه این مفاهیم در نوع خود می‌توانند پروبلماتیک باشند، برای مثال رفتاری که در یک زمینه اجتماعی جرم تلقی می‌شود، ممکن است در یک جامعه دیگر بسیار عادی جلوه کند؛ بنابراین جرم در لحظات مختلف تاریخی می‌تواند بسیار متفاوت تعریف شود و حتی به حوادث واقعی ارتباط چندانی نداشته باشد (تایلر و دیگران، ۱۹۷۳).

تبیین‌های جامعه‌شناختی

رویکردهای جامعه‌شناختی از رویکردهای روان‌شناختی و بیولوژیکی که بر ویژگی‌های شخصی فرد در ارتکاب جرم تأکید دارند، کاملاً متمایزند. این رویکردها برای تبیین خشونت و قتل به متن‌های اجتماعی از جمله خانواده، محله و اجتماع نگاه می‌کنند. جامعه‌شناسی مشارکت نظری وسیعی در باب فهم جرایم و انحرافات فراهم کرده است و تئوری‌پردازان این حوزه به تأثیر عواملی چون یادگیری اجتماعی، فشار، خرده‌فرهنگ، منابع، انتخاب حسابگرانه، فرصت ارتکاب جرم و ... پرداخته‌اند.

روش‌شناسی

مطالعه حاضر از نوع مطالعات کیفی است. تحقیق کیفی عمدتاً به دنبال شناسایی و درک تجربه انسانی، ادراک، انگیزه‌ها و رفتار است و این ادعا را دارد که دنیا را از دید مشارکت‌کنندگان می‌فهمد. در تحقیقات کیفی، داده‌ها معمولاً از یک گروه کوچک از پاسخگویان به دست می‌آید، محقق به دنبال تحلیل با روش آماری نیست. بلکه داده‌ها می‌تواند در قالب کلمات، تصورها، آثار و ژست‌ها که بیان‌کننده وقایع واقعی‌اند، آورده شوند.

سؤالات تحقیق

جمع‌آوری داده‌ها با طرح سؤالات خاصی پیرامون پدیده مورد بررسی، انجام گرفته است. مصاحبه‌ها با طرح سؤالات کلی پیرامون متغیرهای زمینه‌ای شروع شده و با سؤالاتی پیرامون موضوع اصلی که قتل است، ادامه یافته است.

در زیر به پاره‌ای از این سؤالات اشاره می‌شود:

(۱) قاتلان به لحاظ جنسیت، سن، قومیت، طبقه اجتماعی، شرایط محلی، اشتغال و ... چه ویژگی‌هایی دارند؟

(۲) قتل در کجا، چگونه و چرا اتفاق افتاده است؟

(۳) از چه اسلحه‌ای برای کشتن مقتول استفاده شده است؟

(۴) چه عواملی موجب شکل‌گیری پدیده قتل شده است؟

(۵) چه نوع انگیزه‌ای فرد را وادار به کشتن می‌کند؟ این سخت‌ترین سؤالی است که گاهی اوقات جوابش بیشتر تصویری و حدسی است.

(۶) قاتل با قربانی چه نسبتی دارد؟

بر اساس جمع‌آوری داده‌ها و حقایق گمانه‌زنی‌های نظری و تئوری‌ها ظاهر می‌شوند.

نحوه جمع‌آوری داده‌ها

کلیه داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساخت‌یافته با افراد، در دادرسی جنایی در یک دفتر خصوصی و بدون وجود نگهبان، جمع‌آوری شده است. هدف اصلی عمدتاً دستیابی به روایت‌هایی بود که پاسخگویان به واسطه آن دنیای خود را توصیف می‌کردند. هر مصاحبه به طور متوسط بین ۶۰ تا ۱۰۰ دقیقه به طول انجامید. با توجه به موضوعاتی چون ویژگی‌های نمونه مورد مطالعه، حساسیت موضوع، محل مصاحبه و زمان مصاحبه، مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته فرصت بیشتری را برای دیالوگ بین پرسشگر و پاسخگو فراهم می‌ساخت.

نمونه‌گیری

در تحقیق کیفی، پروسه نمونه‌گیری هدفمند است. در این گونه نمونه‌گیری‌ها، بهترین نمونه نمونه‌ای است که برای محقق مناسب باشد و قاعدتاً محقق افرادی را انتخاب می‌کند که پیرامون موضوع تحقیق بتواند بیشترین اطلاعات را برای وی فراهم کنند. پژوهش حاضر

دربرگیرنده ۱۴ نفر شامل ۱۲ مرد و ۲ زن است، افرادی که همه در یک ملاک خاص مشترک‌اند و آن تجربه ارتکاب قتل است. از آنجا که هدف جمع‌آوری داده‌های جزیی است، طبیعی است که نمونه را کوچک انتخاب می‌کند تا به آن هدف نایل شود، اما ذکر این نکته ضروری است که با توجه به غیر تصادفی و کوچک بودن نمونه، امکان تعمیم وجود ندارد.

توصیف و تحلیل داده‌ها

- متغیرهای زمینه‌ای

در این بخش با توجه به مصاحبه‌های عمیق می‌توان در مورد ویژگی‌های مجرمان، قربانیان و حادثه جرمی بحث کرد. نقطه شروع می‌تواند ویژگی‌های جمعیتی- اجتماعی قاتلان و قربانیان آنها باشد که بر اساس جنس، سن و طبقه اجتماعی گزارش می‌شود.

ترکیب سنی

بسیاری از آمارها در کشورهای غربی و در ایران نشان می‌دهند که پدیده قتل به ندرت توسط افراد نوجوان انجام شده است. در این تحقیق میانگین سنی قاتلان ۲۱ سال بوده است؛ بنابراین می‌توان گفت که قتل موضوع افراد بزرگسال جوان است، افرادی که معمولاً بالاتر از ۱۸ سال دارند. نظارت و عاملیت خانواده‌ها از یک سو و مدرسه از سوی دیگر از جمله عوامل مهمی‌اند که افراد نوجوان را از درگیری در جرایم مختلف حفظ می‌کند.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس سن

ردیف	گروه سنی	فراوانی	درصد
۱	زیر ۱۸ سال	۳	۲۱
۲	بین ۱۸ تا ۲۵ سال	۶	۴۲
۳	بین ۲۶ تا ۳۰ سال	۴	۲۸
۴	۳۱ سال به بالا	۱	۷
جمع کل		۱۴	۱۰۰

جنسیت

مجرمان قتل به طور نامساوی برحسب جنس توزیع شده‌اند بر اساس آمارهای موجود در ایران و دنیا، زنان تقریباً کمتر از ۱۰ درصد قتل‌ها را انجام می‌دهند در حالی که حدود ۲۰ درصد از

مقتولان زنان هستند. در نگرشی کلی می‌توان قتل توسط زنان را واکنشی به شرایط رنج‌آور، تبعیض‌آمیز و البته خشونت‌بار جامعه تلقی کرد. بر اساس تحقیقات انجام شده (عبدی ۱۳۶۷، صادقی ۱۹۹۶) بیشتر قاتلان مرد، درگیر قتل‌هایی می‌شوند که نتیجه تضادهایی است که تحت شرایط خاصی ایجاد می‌شود و عمدتاً بدون نقشه و یا قصد قبلی صورت می‌گیرد اما قاتلان زن عمدتاً به قتل همسر خود دست می‌زنند و مردان را به خاطر خشونت و یا خیانت می‌کشند. به‌رغم تغییرات عمیقی که در چند دهه گذشته در منزلت اجتماعی هر دو جنس ایجاد شده است، آمارها نشان می‌دهند که نرخ قتل کم‌وبیش در طول زمان ثابت مانده است.

تفاوت بین زنان و مردان مجرم را می‌توان بر اساس تفاوت تعاملات و سبک زندگی‌ها توضیح داد. برای مثال حضور بی‌قید و شرط مردان در فضاهای عمومی، عدم محدودیت در روابط اجتماعی، زندگی شبانه و ویژگی‌های مردانه، فرصت‌های بیشتری را برای ارتکاب جرم در اختیار مردان قرار می‌دهد و حال آنکه نقش زنان مجرم عمدتاً زمانی افزایش می‌یابد که جرمی در حلقه خانواده رخ دهد (صادقی، ۱۳۸۹) از طرفی کلیشه‌های اجتماعی و هویت‌های جنسیتی، مردان را بیشتر به سوی خشونت‌های فیزیکی و زنان را به سوی مدارا، سکوت و انفعال تشویق می‌کند. در این پژوهش با ۱۲ مرد و ۲ زن مصاحبه به عمل آمد. نسبت قربانی به پاسخگو در زنان مورد مصاحبه همسر و مادر است و این نسبت در مردان در بیشتر موارد بر اساس نسبت‌های کاری، آشنایی و دوستی تنظیم شده است.

وضعیت تأهل

بر طبق نظریه‌های کنترل و ادغام اجتماعی، نظارت خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بازدارنده کجروی و جرم معرفی می‌شود و حال آنکه عدم نظارت صحیح توسط خانواده و سایر مجموعه‌های اجتماعی، زمینه خطرپذیری افراد را افزایش می‌دهد. تحقیقات نشان می‌دهد نرخ بعضی از کجروی‌ها و جرایم از جمله قتل و خشونت‌های بین‌فردی در میان افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد کمتر است. اگرچه بخشی از این تفاوت به سن افراد متأهل مربوط می‌شود اما بی‌تردید بخش دیگر به وضعیت خانوادگی ارتباط دارد چرا که ادغام و دل‌مشغولی‌های خانوادگی فضای کمتری را برای رفتارهای ضداجتماعی ایجاد می‌کند.

قابل ذکر است که رابطه کجروی و وضع تأهل در زنان به صورت نسبتاً متفاوتی جلوه‌گر می‌شود، برای مثال صادقی در تحقیق خود در زمینه جرایم زنان دریافت که تنها ۳ تا ۵ درصد

از مجرمان زن را افراد مجرد تشکیل می‌دهند. کجروی و جرایم زنان متأهل در بسیاری از مواقع با وضعیت جرمی در خانواده آنها، خصوصاً همسر ارتباط دارد و به عبارت دیگر کجروی زنان تابعی از سرکوب، محرومیت، نابرابری، استیلاي مذکر و موقعیت خانوادگی است، بسیاری از زنان متأهل تحت تأثیر همسرانشان و یا شرایط رقت‌باری که آنها برای زنان فراهم می‌آورند، به جرم کشیده می‌شوند و حال آنکه دختران مجرد بیشتر تحت نظارت خانواده و اطرافیان قرار می‌گیرند، از طرفی ارتکاب جرم و کجروی برای دختران مجرد هزینه‌های مضاعفی را به بار می‌آورد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به داغ ننگ زندان و کجروی اشاره کرد که پیامدهای جدی‌ای چون از دست دادن شانس ازدواج و طرد خانوادگی و اجتماعی را به دنبال خواهد داشت (صادقی، ۱۹۹۶).

در میان ۱۴ نفری که مرتکب قتل شده‌اند و یا در قتل مشارکت داشته‌اند، ۱۱ نفر مجرد، ۱ نفر مطلقه و ۲ نفر متأهل بوده‌اند. از میان متأهلین یکی از آنها زن بوده که همسر خود را به قتل رسانده است.

طبقه اجتماعی

اگرچه برای تعیین طبقه اجتماعی قاتلان و قربانیان آنها با مشکلات خاصی روبرو هستیم اما با توجه به متغیرهایی چون موقعیت اقتصادی، شغلی و تحصیلی قاتل و افراد قربانی می‌توان تصویری از طبقه اجتماعی آنها را نشان داد. تحقیقات مختلفی که در زمینه آسیب‌شناسی اجتماعی انجام گرفته، نشان می‌دهند که بسیاری از مجرمان و قربانیان آنها از طبقات پایین بوده‌اند. اگرچه این موضوع واقعیت دارد که غالباً جرایم یقه‌سفیدان نادیده انگاشته و یا کم شماری می‌شوند، اما وضعیت بد طبقاتی به عنوان یک ریسک‌فاکتور نقش مهمی را بازی می‌کند.

در تحقیقات چامباز و هرپین (۱۹۹۵) در فرانسه، از میان ۱۰۰ قاتل که زمینه‌های خانوادگی آنها معلوم بود، پدران ۵۵ نفر از آنها کارگر یقه‌آبی و ۱۷ نفر کارگر یقه‌سفید بودند. شغل پدر ۹ نفر نیز کار شخصی بود. به عبارت دیگر از هر ۵ نفر، ۴ نفر از طبقه کارگر بوده‌اند. به نظر می‌رسد که آنها نوعی فقر و بیچارگی ارثی^۱ را تجربه کرده‌اند (به نقل از موچلی، ۲۰۰۴: ۱۷۷). همان‌طور که گفته شد، در این تحقیق برای شناسایی وضعیت طبقه اجتماعی افراد، سه

شاخص تحصیلات، وضعیت اشتغال و محل سکونت افراد مورد نظر قرار گرفت که در ذیل بدان اشاره می‌کنیم:

وضعیت تحصیلی

۶۴ درصد پاسخگویان این تحقیق افرادی بودند که دیپلم نداشته‌اند و یا به نوعی ترک تحصیل کرده‌اند، افت تحصیلی و عدم موفقیت تحصیلی از جمله ریسک‌فاکتورهای مهمی است که آغازکننده شرایط نامناسبی در زندگی اجتماعی افراد است و معمولاً مشکلاتی را به لحاظ ادغام اقتصادی و اجتماعی برای کنشگران به وجود می‌آورد.

وضعیت اشتغال

در بسیاری از تحقیقات انجام گرفته در ایران و خارج، این توافق وجود دارد که بیکاری یکی از ریسک‌فاکتورهای جدی است که فرد را در معرض کجروی قرار می‌دهد. صادقی و دیگران در تحقیق خود به این مطلب دست یافتند که به غیر از متغیر صنعتی شدن، نرخ بیکاری، فقر نسبی و نابرابری درآمدی از جمله متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر ارتکاب قتل در ایران بوده است.^۱ یافته‌های این تحقیق نیز نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان فاقد مشاغل ثابت‌اند و بیشتر در کارهای نیمه‌وقت و بی‌ثبات مشغولند. تعدادی نیز از طریق خرید و فروش مواد مخدر امرار معاش می‌کنند و یا به لحاظ مالی وابسته به خانواده‌اند. از دید پاسخگویان امرار معاش از طریق خرید و فروش مواد و یا اجناس دزدی نیز کار محسوب می‌شود چرا که از طریق آن قادرند مخارج خود را تأمین کنند.

محل سکونت

یکی از ریسک‌فاکتورهای جدی، زندگی در محلات جرم‌خیز است، محلاتی که ارتکاب به جرم و کجروی در آن به صورت بخشی از زندگی روزمره درآمده است، به عبارت دیگر خرده‌فرهنگ جرمی بر این محلات غلبه یافته است و بسیاری از رفتارهای ضداجتماعی مطابق خرده‌فرهنگ‌های جرمی غالب، زرنگی محسوب می‌شود. بسیاری از پاسخگویان بارها به این مطلب اشاره کردند که مطابق با رویه‌های فرهنگی که با آن مانوس بوده‌اند، عمل کرده‌اند و در محل زندگی آنها نحوه زندگی، اقتضائات خاص خودش را دارد.

۱. تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران، دکتر حسین صادقی، دکتر وحید شقاقی، دکتر حسین اصغرپور، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۸، بهار ۱۳۸۴ صفحات ۹۰-۶۳

برای مثال: کامران می‌گوید:

«بافت اجتماعی کرج بافت کارگری است، محیط کرج آلوده است»

یا بهرام می‌گوید:

«من بچه اتابک جنوب شهر تهران هستم... تو محل به من می‌گن بهرام فاشیست»

یا حسن می‌گوید:

«محله ما محیطش خراب بود، خلافکار شدم»

به نظر می‌رسد در این گونه محلات کجروی و جرم خصیصه ثابت سازمان اجتماعی است و افراد مطابق با ویژگی‌های محلی و هنجارهای غالب بر محل، عمل می‌کنند، لذا بسیاری از رفتارهای ضداجتماعی برای آنها صرفاً رفتار محسوب می‌شود و آنها چندان متوجه وجه ضد اجتماعی آن نیستند و دائماً با تکیه بر این مطلب که «همه این‌گونه‌اند» یا «اقتضائات محلی چنین ست» سعی می‌کنند، اعمال و رفتار خود را توجیه کنند، در جدول ۲، توزیع پاسخگویان بر حسب محل سکونت دیده می‌شود.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس محل سکونت

درصد	فراوانی	محله
۵۰	۷	جنوب تهران (دولت‌آباد، شهرک ولیعصر، اتابک، شاپور، راه‌آهن)
۱۴	۲	شرق تهران (تهرانپارس، امام حسین)
۱۴	۲	غرب تهران (تهرانسر، شهرزیا)
۲۱	۳	کرج
۱۰۰	۱۴	جمع کل

متغیرهای جرمی

- نوع اختلاف

بیشتر اختلافاتی که منجر به وقوع قتل شده در دو دسته مرتبط گنجانیده می‌شوند اختلافات جزئی که از فحاشی شروع می‌شود و به قتل ختم می‌شود. بعد از آن اختلافات مادی و اقتصادی بیشترین نوع اختلاف منجر به قتل‌اند.

- آلت قتاله مورد استفاده

انتخاب آلت قتاله توسط پاسخگویان تحت تأثیر عوامل مختلفی چون نوع اختلاف، جنسیت، سابقه فرد، ویژگی‌های قربانی و در دسترس بودن آلت قتاله تعیین می‌شود، بیشترین روش

کشتن در میان پاسخگویان به ترتیب استفاده از چاقو، کتک زدن و خفه کردن است. قابل ذکر است جایی که معمولاً قاتل و مقتول هر دو مردند، عمدتاً از چاقو و یا کتک زدن استفاده شده است.

- نسبت قاتل با قربانی

بیشتر پاسخگویان (۱۰ نفر) با قربانیان خود آشنایی نسبی داشته‌اند. این آشنایی برآمده از روابط خانوادگی، خویشاوندی، کاری و دوستی بوده است، فقط ۳ الی ۴ نفر از قاتلان آشنایی قبلی با قربانیان خود نداشته‌اند و قتل در یک زمینه مواجهه‌ای و بانگیزه خشم و جاه‌طلبی شکل گرفته است.

- سوء سابقه

با توجه به یافته‌های توصیفی، بیش از نیمی از پاسخگویان (۹ نفر) در کلانتری یا مراجع قضایی سابقه‌دارند، بیشترین نوع سابقه آنها درگیری و مصرف مواد مخدر است.

- سابقه اعتیاد و الککل

بیشتر پاسخگویان (۱۲ نفر) سابقه استفاده از مواد مخدر و الککل داشته‌اند، بیشترین مواد مورد استفاده در حین ارتکاب قتل، شیشه بوده و پاسخگویان یکی از علل اساسی ارتکاب قتل را استفاده از این مواد ذکر می‌کردند.

- سابقه جرمی در خانواده

۹ نفر از پاسخگویان (۶۴ درصد) در خانواده خود سابقه جرمی داشته‌اند بیشتر سوابق خانوادگی، ابتدا در میان پدران آنها و سپس برادرانشان است و نوع سابقه شامل استفاده از مواد یا سابقه خشونت و درگیری است.

- مکان قتل

قتل‌های اتفاق افتاده در میان نمونه تحقیق بیشتر (۹ فقره) در خیابان و در میان مردان بوده و بعد از آن قتل‌ها (۵ فقره) در خانه (فضای بسته) رخ داده است. محل ارتکاب زنان به قتل در خانه بوده است.

یافته‌های تحلیلی

در تحقیقات کیفی جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آنها به صورت همزمان انجام می‌گیرد. بازخوانی مصاحبه‌ها و رفت و برگشت دائمی به سوی آنها زمینه گمانه‌زنی نظری را فراهم می‌سازد و

این امکان را به وجود می‌آورد تا داده‌ها حول محورهای خاصی تنظیم شوند. اگرچه بخشی از محورهایی که مطالب حول آنها تنظیم شده است، از ابتدای کار تحت عنوان سؤالات کلی تحقیق، اساس دیالوگ میان پژوهشگر و پاسخگویان بوده است، اما بخش دیگر، عمدتاً تم‌های جدیدی‌اند که در فرایند بازخوانی متن مصاحبه‌ها و کدگذاری باز، محوری و انتخابی آنها ظاهر شده‌اند. در زیر سعی می‌شود تا با توجه به سؤالات محوری و با توجه به تم‌هایی که در تحقیق ظاهر شدند، پدیده قتل توضیح داده شود.

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری قتل

- شناسایی ریسک‌فاکتورها در ارتکاب جرم

هر عاملی که احتمال گرایش فرد به صدمه و آسیب را افزایش دهد، ریسک‌فاکتور تلقی می‌شود. ریسک‌فاکتورها را می‌توان حول محورهایی چون فرد، خانواده، مدرسه، اجتماعات محلی و ساختارهای کلان اجتماعی دسته‌بندی کرد. مصاحبه‌های عمیق با پاسخگویان نیز نشان می‌دهد که کجروی آنها بخشی از سندروم وسیع‌تر رفتار ضداجتماعی است که در بچگی ظاهر می‌شود تا دوران بزرگسالی ادامه می‌یابد و در نهایت به کجروی و جرم تبدیل می‌شود. مطالعات فارینگتون (۱۹۹۷) نیز نشان می‌دهد که رفتارهای ضداجتماعی بچه‌ها در سنین پایین به رفتار ضداجتماعی بچه‌های نوجوان و سپس به رفتارهای ضداجتماعی در بزرگسالان تبدیل می‌شوند. مصاحبه‌های عمیق ما با پاسخگویان آشکار ساخت که عمده پاسخگویان در دوران کودکی خود به نوعی درگیر رفتارهای ضداجتماعی چون ولگردی، پرسه‌زنی، کفتربازی، پرخاشگری، آزار حیوانات و شرارت بوده‌اند.

حسن ۲۹ ساله می‌گوید:

... «من از موش بدم میاد دلم می‌خواد آویزونش کنم اینجوری شقه شقه‌اش کنم با چاقو یا آتیشش بزنم خیلی بدم میاد ازش از قیافه‌اش از کارایی که می‌کنه با مرگ موش نمی‌کشمش چون یه چیزیه که آزارش نمی‌ده».

یا در جای دیگر حسن می‌گوید:

«توی دوران مدرسه چون تو دستشویی مدرسه حشیش می‌کشیدم ناظمه منو دید منم از خدا می‌خواستم که اخراجم کنن ... دوست داشتم که ولگرد باشم».

مریم ۱۵ ساله در صحبت‌هایش اظهار می‌کند که:

«مارمولک‌ها رو اذیت می‌کردم دنبالشون رو فشار می‌دادم مزه می‌ده گربه‌ها رو خیلی اذیت می‌کردم می‌دویدم دنبالشون می‌زدمشون صداش در می‌اومد».

اگرچه به صراحت نمی‌توان مکانیسمی علی میان وجود ریسک‌فاکتورها و ارتکاب جرم نشان داد اما می‌توان گفت که درصد قابل توجهی از مجرمانی که در ارتکاب جرم، سماجت می‌ورزند، عمدتاً همان افرادی‌اند که در کودکی ریسک بالایی داشته‌اند.

با توجه به مصاحبه‌های انجام‌شده می‌توان ریسک‌فاکتورها را به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

الف) ریسک‌فاکتورهای مرتبط با خصوصیات فردی

- سابقه اعتیاد، مواد مخدر-الکل

جامعه‌شناسان سال‌هاست که به رابطه میان الکل، مواد مخدر و ارتکاب جرم توجه کرده‌اند. یکی از تحقیقات مشهور در این زمینه مطالعه پارکر^۱ (۱۹۹۶) است، بدیهی است که ارتباط علی مستقیمی بین رفتار خشن و مواد یا الکل نیست، اما بخش زیادی از تحقیقات که درباره قتل انجام شده است، نشان می‌دهد که استفاده از مواد مخدر و الکل به عنوان فاکتور تسهیل‌کننده ارتکاب جرم نقش بازی می‌کند (رومن، ۱۹۸۱).

مواد و الکل می‌تواند زمینه‌ساز رفتارهای غیرطبیعی و برهم زنده باشد. حتی قربانیان نیز با استفاده از مواد و الکل می‌توانند آسیب‌پذیری خود را افزایش دهند. بیش از نیمی از پاسخگویان در این تحقیق به استفاده از مواد مخدر یا الکل و یا هر دو اشاره کردند. ۱۰ نفر از آنها به صورت روتین و دائمی مواد استفاده می‌کردند و سابقه نسبتاً قابل توجهی در اعتیاد به الکل یا مواد حتی در خانواده خود داشته‌اند و ۲ نفر اعلام کرده‌اند که استفاده‌کننده دائمی نبوده‌اند بلکه هرزگاهی مصرف می‌کردند و فقط ۲ نفر اعلام کرده‌اند که هیچ‌گاه از این مواد استفاده نکرده‌اند.

فریدون ۲۲ ساله می‌گوید:

«هر چی شما بگی من امتحان کردم کراک، ماری جوآنا، کوکائین یه کرمی هست تو آدم که دوست داره».

حسن اولین باری را که مواد تجربه کرده به شرح زیر توضیح می‌دهد:

«اولین بار که مواد کشیدم توی پارک بودم یکی مواد می‌کشید مأمورها دنبالش کردن فرار کرد انداخت زمین دود کلفت و بزرگی داشت رفتم بو کردم از بوش خیلی خوشم اومد یه کام گرفتمو

اودم...فرداش جستجو کردم گفتم این چیه همه گفتن حشیش، شروع کردم دیگه از حشیش شروع کردم به جایی رسیدم که دیگه هروئین کشیدم تزریق هم می‌کردم...مصرف هروئینم روزی سه گرم بود».

استفاده از مواد و الکل همواره با ارتکاب جرم به صورت عام و قتل به صورت خاص رابطه نزدیکی داشته است. اگر چه برای بسیاری از جوانان، استفاده از مواد و الکل در ابتدا به منظور برقراری معاشرت، هیجان و خودنمایی است اما در مراحل بعدی به یک مسئله جدی تبدیل می‌شود.

استفاده طولانی از مواد مخدر می‌تواند به ایزوله شدن، افسردگی، پرخاشگری و ناامیدی منجر شود، برای بسیاری از پاسخگویان، استفاده از مواد و الکل علت اصلی ارتکاب جرم بوده است. کما اینکه کامران نیز عامل اصلی وقوع قتل در پل مدیریت را مصرف شیشه می‌داند او می‌گوید:

«اعتیاد به مواد ندارم یکی دو بار شیشه زدم هم سن و سالای من همه شیشه می‌زدن من هم زدم...بهم ریخته بودم عصبی بودم...صبح حادثه مصرف کردم».

- روحیه پرخاشگری و عصبانیت

با توجه به مصاحبه‌های عمیق می‌توان گفت که بیشتر پاسخگویان روحیه پرخاشگری دارند، سر هر چیز کوچک دعوا راه می‌اندازند و وارد هر درگیری می‌شوند، حتی اگر به آنها ربطی نداشته باشد. روحیه پرخاشگری و عدم مدیریت خشم ممکن است به شکل‌گیری خشونت‌های مرگ‌بار منجر شود.

مریم ۱۵ ساله در خصوص روحیه پرخاشگری، خشم و عصبانیت خود می‌گوید:

«تو اینجا قرصم رو که قطع کردن، داشتم یکی رو خفه می‌کردم وقتی عصبانی می‌شم کسی زورش بهم نمی‌رسه».

علیرضا ۱۹ ساله قاتل داداشی می‌گوید:

«خیلی‌ها اینجوری هستن دنبال دعوا، دعوا واسشون تفریحه مثلاً کتک خوردن یا کتک زدن زیر چشمت کبود بشه یا دستت بشکنه فردا تعریف می‌کنن که همه بیشتر ازش بترسن».

- عدم اعتماد به نفس و احترام به خود

تصور مثبت یا منفی از خویشتن در تعاملات اجتماعی شکل می‌گیرد، گاه قضاوت دیگران در مورد ما می‌تواند نحوه عملکرد و رفتار ما را تحت تأثیر قرار دهد بسیاری از جوانان کجرو برای کسب اعتبار و منزلت اجتماعی به ارتکاب جرم دست می‌زنند.

هادی ۲۵ ساله در خصوص نگرش دیگران به خود می‌گوید:

«یه سری می‌گن قیافه‌ات بده قیافه‌ات به آدمای بد می‌خوره بعد که باهام صحبت می‌کنن می‌گن نه اینجوری نیست...»

حسن یکی از عوامل روی آوردن به خلاف را کسب اعتماد به نفس و احترام می‌داند:

«... دوست داشتم با بزرگ‌تر از خودم بگردم دوست داشتم که معروف باشم همه من رو نشون بدن... آره آدم با مواد فروشی هم معروف می‌شه همه می‌گفتن این مواد فروشه دوست داشتم همه از من حساب بپرن دوست داشتم که با کسایی بگردم که دیگران ازشون حساب می‌پرن تو مخم اینو گنجایش داده بودم...».

- روحیه ماجراجویی و هیجان‌طلبی بیش از حد

مصاحبه‌های عمیق با پاسخگویان آشکار می‌سازد که بسیاری از آنها ماجراجویند و بیشتر از آنکه به تبعات حوادث بیندیشند به لذت‌های آنی و هیجان‌طلبی فکر می‌کنند.

تفسیری که حسن از روحیه خود می‌کند، بسیار گویاست او می‌گوید:

«هیچوقت دنبال کار درست و حسابی نبودم از راه صاف هم می‌تونستم پول دربیارم اما مخم بیشتر چیزای منفی و هیجانی رو دوست داشتم اعتیاد، فرارکشی، مامور دنبالت کنه، داد و بیداد کنی، عربده بکشی، شیشه بشکنی، به چیزی رو برداری در بری از بچگی دوست داشتم».

مریم ۱۵ ساله هیجان‌طلبی خود را این‌گونه شرح می‌دهد:

«شب با دوستم بیرون هم بودیم ... پارک طالقانی خوابیدیم ... خیلی مزه می‌ده از خونه بمونی بیرون ... هر چی دلم می‌گفت رو انجام می‌دادم».

- عدم مسئولیت‌پذیری

عدم تکمیل پروسه‌های جامعه‌پذیری موجب می‌شود که بعضی از افراد زندگی خود را تحت تأثیر هنجارهای آنی و موقتی تنظیم کنند. این گونه افراد حسن مسئولیت‌پذیری ندارند و حتی مسئولیت اعمال خود را به گردن نمی‌گیرند.

مریم ۱۵ ساله از پذیرش مسئولیت یا تحت مسئولیت کسی درآمدن به شدت گریزان

است خودش می‌گوید:

«دوست دارم برم پارک دوست دارم تفریح کنم از مسئولیت متنفرم».

- مذكر بودن

مردان بیش از زنان در معرض فرصت‌های ارتکاب به جرم قرار می‌گیرند و مردینگی آنها را نسبت به درگیری آسیب‌پذیرتر می‌سازد.

می‌گویند که دو نفر را به قتل رسانده هنوز بر ویژگی‌های مردانه تأکید بسیاری دارد. او می‌گوید:

«دعوا و درگیری رو می‌بینم یه جوری می‌شم یا باید سوا کنم یا بزنمشون تفریحم با رفیقام می‌رفتم بیرون بیشتر با دخترا».

یا رضا ۱۸ ساله می‌گوید:

«یک پسر بنگاهی بود با بابام درگیر شده بود، با دست خالی زدم لب و گونه‌هاش خونی شد. ... سابقه کیفری دارم».

- تحریک آنی و تحریک‌پذیری

معمولاً سطح تحریک‌پذیری همه پاسخگویان بالاست. هر حرکتی و هر حرفی می‌تواند موجب تحریک‌پذیری شود.

نرگس معتقد است تحت تأثیر تحریک آنی ناشی از عصبانیت به قتل همسرش دست زده است:

«من اعتنایی نمی‌کردم همین جوری که داشتم بهش می‌خندیدم منو جنون گرفت چاقوی روی این آشپزخونه رو برداشتم گفتم دیگه ادامه نده دست من رو پیچوند گفت هیچ غلطی نمی‌تونی بکنی هیچ کدوم باورمون نمی‌شد وقتی نشست بلند شدم با یه ضربه زدم مرد به بیمارستان هم نرسید».

احتمال کجروی در افرادی که تحت تأثیر محرک‌های آنی‌اند، بالاتر است چون به عواقب کجروی توجه کافی نمی‌کنند.

- شهرت‌طلبی

مصاحبه‌های عمیق آشکار ساخت که چگونه پاسخگویان دنبال مرئی ساختن خود در فضاهای اجتماعی‌اند، آنها از اینکه به حساب بیایند و دیگران آنها را مرئی ببینند، لذت می‌برند، برای مثال حسن ارضای حس شهرت‌طلبی‌اش را از طریق موادفروشی می‌داند و می‌گوید:

«آدم با مواد فروشی هم معروف می‌شه همه می‌گفتن این مواد فروشه دوست داشتم همه از من حساب ببرن ...».

در جای دیگر می‌گوید:

«همه ازم می‌ترسیدن حساب می‌بردن همیشه چاقو جیبم بود حرف زور می‌زدن یا چیزی که به ضررم بود درمی‌آوردم می‌زدم فرار می‌کردم دو بار به جرم چاقوکشی و عرق‌خوری گرفتیم... چون توی محل خیلی معروف بودم کسی به من زن نمی‌داد».

- خطرپذیری

معمولاً خطرپذیری، ماجراجویی، هیجان‌طلبی و درگیری برای آن دسته از جوانانی که به صورت‌های دیگر نمی‌توانند عرض اندام کنند، موجب منزلت اجتماعی می‌شود. این دسته از جوانان داوطلبانه به استقبال خطر می‌روند تا معروف شوند.

علیرضا قاتل داداشی معتقد است که روحیه خطرپذیری در خیلی از افراد وجود دارد او می‌گوید:

«خیلی‌ها این‌جوری هستن دنبال دعوان، دعوا واسشون تفریحه مثلاً کتک خوردن یا کتک زدن زیر چشمت کبود بشه یا دستت بشکنه فردا تعریف می‌کنن که همه بیشتر ازش بترسن».

فریدون معتقد است که علاقه‌اش مهمتر است و حاضر است برای رسیدن به آن خطر کند:

«می‌رم سمت علاقه‌ام حتی اگه به ضررم باشه آدمی نبودم که دم به تله بدم اصلاً فکر نمی‌کردم همچین جریانی پیش بیاد ...».

مریم ۱۵ ساله در پاسخ به سؤالی که در خصوص ارتباط زیاد با جنس مخالف از او پرسیده شد، می‌گوید:

«اصلاً از ارتباط با پسرا نمی‌ترسیدم به قول معروف آدم پسرا رو می‌شناسه قیافه‌شون نشون می‌ده».

- ترک تحصیل

بیش از نیمی از پاسخگویان نتوانستند دوران مدرسه و دبیرستان خود را به اتمام برسانند، بسیاری از آنها در دوران راهنمایی ترک تحصیل کردند و یا به خاطر رفتارهای ضداجتماعی از مدرسه اخراج شدند.

مریم ۱۵ ساله در خصوص درس و ادامه تحصیلش می‌گوید:

«یک سال ترک تحصیل کردم درس خوندن رو دوست نداشتم مشکل درسی‌ام حل نمی‌شد دوست داشتم برم سرکار».

فریدون نیز از مدرسه و امتحان احساس انزجار می‌کند و می‌گوید:

«از مدرسه بدم می‌آد معدل دیپلم تجربی‌ام ۱۴ و کامپیوتر ۱۷ بود انتقام بود نه امتحان».

معمولاً هوش پایین و عدم تلاش مدرسه در جذب این گونه دانش‌آموزان موجب عدم موفقیت در تحصیل و نهایتاً اخراج آنان از مدرسه می‌شود. گریز از مدرسه موجب ولگردی و پرسه‌زنی می‌شود، نداشتن مدرک تحصیلی باعث می‌شود که این افراد به کارهای سطح پایین جذب شوند و به این صورت رسیدن به اهداف از طریق مشروع برای آنها سخت می‌شود.

ب) ریسک‌فاکتورهای مرتبط با عوامل خانوادگی

– داشتن والدین ضدا اجتماعی که سابقه جرم و اعتیاد دارند

از آنجا که خانواده مهم‌ترین و اولین گروه اجتماعی است که هر فردی ابتدا خود را در آن می‌یابد و مهم‌ترین گروه مرجع است که باعث شکل‌گیری روحیات، خلیات و هویت اشخاص می‌شود، لذا در شکل‌گیری شخصیت افراد به شدت اثرگذار است. هرگونه کژی و ناراستی در خانواده می‌تواند به فرزندان انتقال یابد.

هادی می‌گوید:

«پدرم تریاک می‌کشید ... برادر بزرگم هم بعضی وقتا حشیش می‌کشد ... علاقمندی به مواد تو خانواده ما یه سری می‌گن ژنتیکه از پدر به پسر می‌رسه، پدرم ۴۰ سال تریاکی بوده».

بهرام ۲۹ ساله نیز پدر و مادر خود را مانع رسیدن به دختر موردعلاقه‌اش می‌دانست:

«دوست دختر داشتم به خاطر متارکه پدر و مادرم و اعتیاد پدرم دختره رو بهم نمی‌دادن».

برای بچه‌های برآمده از خانواده‌های مجرم، احتمال کشیده شدن به رفتارهای مجرمانه بیشتر است چون آنها کمتر می‌توانند از طریق قانونی به اهداف خود برسند.

– ضعف ارتباط صحیح بین والدین و فرزندان

احتمال کجروی در بچه‌هایی که تحت نظارت والدین ضعیف‌اند، بیشتر است زیرا کنترل‌های درونی بر آنها اعمال نمی‌شود و معمولاً از این نوع نگرش تبعیت می‌کنند که کجروی قابل توجیه است.

فریدون در این خصوص می‌گوید:

«خانواده‌ام معمولاً با کتک حرفشون رو پیش می‌بردن خواهر و برادرم زندگی خودشون رو دارن ممکنه روزی دوبار با هم حرف بزنیم شخصیت هامون اینجوریه، ارتباط باعث اصطکاک می‌شه».

سخت‌گیری یا سهل‌گیری بیش از حد در تربیت موجب می‌شود که فرزندان از دایره نظارت خانواده خارج شوند و مطابق تمایلات شخصی و احساسات خود عمل کنند.

علیرضا اظهار می‌کند که آزادی‌اش بیش از حد بوده و در ابعاد مختلف آزادی داشته:

«بیش از حد آزاد بودم، خانواده‌ام می‌گفتن نرو بیرون. تا اول دبیرستان درس خوندم از سوم راهنمایی پرسه‌زنی شروع شده ما مشروب رو توی عروسی آشنایی، کسی می‌خوردیم یا خونه یا بیرون ...».

مریم دختر ۱۵ ساله که مادرش را مانع آزادی خود می‌دانسته و او را به قتل می‌رساند، با تأکید بر اعتماد پدرش آزادی خود را این‌گونه توصیف می‌کند:

«می‌تونستم تا پنج صبح بیرون بمونم نمی‌ترسیدم، بابام فکر می‌کرد خونه دوستم هستم همسایه‌ها به خانواده می‌گفتن مامانم با شلنگ گاز و کمر بند یا دمپایی می‌زد».

- تضاد، تعارض و خشونت‌های خانوادگی

معمولاً بچه‌ها تعارض و خشونت را از والدین خود می‌آموزند و با این ایده پرورش می‌یابند که رفتارهای خشن، بخشی از رفتارهای طبیعی است که در زندگی روزمره نمود می‌یابد.

کامران خشونت والدین خود را به خاطر می‌آورد و به نظرش تأثیر زیادی بر وضعیت فعلی وی داشته:

«... سر هر چیز کوچیکی به دعوا ایجاد میشد ... تقصیر هر دوتا شون بود... بعضی اوقات دعوا لفظی بود قبلاً شاهد کتک کاری بین پدر و مادرم بودم».

میشم وضعیت خانوادگی و تضادهای آن را به شرح زیر توضیح می‌دهد:

«بابام سوا زندگی می‌کرد دو تا خواهر ۱۷ و ۱۹ ساله با مادرم هم سوا زندگی می‌کردن بابام معتاد به شیشه و کراک بود سر این مشکل همه زندگی رو به هم زد و در حال طلاق بود».

- عدم تعهدات اخلاقی و دینی در خانواده

مصاحبه‌های عمیق آشکار می‌سازد که بسیاری از پاسخگویان از درک مسائل اخلاقی و دینی عاجزند و در زندگی روزمره آنها، چیزی به نام تقیدات دینی و اخلاقی حضور ندارد.

احمد در تمام صحبت‌هایش تأکید می‌کند که هیچ ترس، تعهد و وابستگی‌ای به دین ندارد: «هیچ اعتقادی به نماز و قرآن ندارم تو نسل ما نیست فقط خدا تا حالا ندیدم پدر و مادرم نماز بخون کل ماه محرم رو مست بودم».

ج) ریسک فاکتورهای مرتبط با عوامل محلی

- محله‌های جرم خیز؛ کدها و نشانه‌ها

احتمال گرایش به کجروی در محلاتی که کجروی و جرم جزو خصلت‌ها و ویژگی‌های دائمی محله است، بیشتر از محلاتی است که هر نوع کجروی با واکنش و نظارت محلی کنترل می‌شود. بنا بر روایت پاسخگویان، عمده آنها در مناطقی زندگی می‌کنند که انحراف و کجروی خصیصه ثابتی از زندگی اجتماعی است و سنت‌های کجروی به میزان وسیعی حفظ می‌شود.

حسن در خصوص خلافتکاری و شروع آن می‌گوید:

«محله ما محیطش خراب بود، خلافتکار شدم اولین باری که مواد کشیدم تو پارک بود».

کامران ۲۳ ساله می‌گوید:

«بافت اجتماعی کرج بافت کارگری است، محیط کرج آلوده است».

بهرام می‌گوید:

«من بچه اتابک جنوب شهر تهران هستم، تو اتابک بزرگ بشی حرف زور نوی کتت نمیره».

میثم ۲۴ ساله به جرم دو قتل دستگیر شده می‌گوید:

«توی شهرک ولیعصر خلافکار زیاده، بیشتر افراد تو زندان از ۵۰ نفر، ۲۰ تا یافت‌آبادی و شهرک ولیعصری‌اند».

نوعی همبستگی فرهنگی و نمادی در میان جماعتی که این فضاها را اشغال کرده‌اند، وجود دارد و این محله‌ها قضاوت‌های اخلاقی خاصی را منعکس می‌کنند، در این محله‌ها کنش روزمره کنشگران اجتماعی به واسطه «کدهای خیابان» اداره می‌شود و سازمان می‌یابد. اعتبار بالای اجتماعی بستگی به این دارد که فرد چگونه صورت خود را حفظ کند تا احترام کسب کند.

گاهی اوقات یک مشت صحیح منزلت می‌آورد و یا خجالتی بودن از انسان قربانی می‌سازد. در خیابان نتیجه هر نشانه‌ای از دعوا عواقبی دارد و تراکمی. یکی از کدهای خیابان که خیلی شایع است، تلافی است و این تلافی با توجه به هنجارهای متقابل بر سر منزلت و غرور تعریف می‌شود.

- توسعه نگرش‌های ضداجتماعی از طریق خشونت، مواد، اعتیاد در محله

معمولاً در محله‌هایی که به لحاظ انتشار کجروی و جرم، مناطق گرم محسوب می‌شوند، نگرش‌های ضداجتماعی و رفتارهای خشن کم و بیش در آرشینکت زندگی روزمره جای گرفته است به نحوی که بسیاری از افراد را به صورت طبیعی درگیر می‌سازد. حسن می‌گوید برخی از دوستان و هم محلی‌هایش به خاطر جرایم مختلف در زندان هستند:

«توی زندان همه، هم محلی‌ها هستند هم بند نیستیم ولی تو زندان هستن اونا واسه قتل و دزدی اومدن».

- عدم و یا ضعف نظارت‌های غیررسمی در اجتماعات محلی

محلات جرم‌خیز در برگیرنده گروه‌های مختلف اجتماعی است که به لحاظ برخورداری از سرمایه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ضعیف‌اند، احساس ادغام اجتماعی در این گونه محلات ضعیف است و وظایف و مسئولیت‌های شهروندی به دلایل مختلفی، جزئی و

حاشیه‌ای است. بسیاری از افرادی که در این محلات زندگی می‌کنند، حس تعلق اجتماعی ندارند و محله را قلمرو اجتماعی خود نمی‌دانند. دلایل بسیاری از جمله ترس، بی‌تفاوتی، ناامیدی و عدم احساس تعلق موجب می‌شود که افراد غیرکجرو بر محله خود نظارتی اعمال نکنند، لذا این گونه محلات جولانگاه و قلمرو کجروان می‌شود و طبقه کجرو محله را به نفع خود مصادره می‌کنند.

- موقعیت و هژمونی همالانی

عدم جذب جوانان در مجموعه‌های اجتماعی مناسب چون مدرسه، عدم بکارگیری آنها در حوزه اشتغال و عدم مدیریت اوقات فراغت جوانان، از آن‌ها گروهی همگرا می‌سازد که بنا بر خواست خود و بدون نظارت دیگران، زندگی روزمره را سپری کنند. موقعیت همالانی، آنها را در معرض بسیاری از آسیب‌های جدی قرار می‌دهد و از همه بدتر نحوه تفسیر آنها از خرده فرهنگ کجروی است که هر گونه کجروی را طبیعی و مثبت ارزیابی می‌کنند و آن را نشانه‌ای از غرور، افتخار و منزلت به حساب می‌آورند.

هادی ارتباط خود را با دوستانش این گونه توضیح می‌دهد که:

«با چند تا از دوستای ناباب می‌گشتیم به خاطر اینکه بیشتر کار کنیم و دور هم باشیم و شب‌نشینی‌ها و باهم بودن و خونه مجردی رفتن و اینا باعث شد که بریم سمت اعتیاد».

کامران نیز می‌گوید:

«... هم‌سن و سالای من همه شیشه می‌زدن من هم زدم اکثراً اینجورین از ساقی‌ها توی خیابون تهیه می‌کنن برای اولین بار یکی از دوستانم برام آورد خواستم از فضای ذهنی خارج شم ...».

مریم نیز ارتباط با دوستش و ویژگی‌های خانوادگی او را این گونه توضیح می‌دهد:

از خونه فرار کردم ... با دختره رفیق شدم خانواده‌اش طلاق بوده بعد از یک سال فهمیدم که دوستم شیشه‌ای که دو سال از من بزرگ‌تر بود به بار سال اول راهنمایی رفتم خونشون جلوم کشید گفت می‌کشی؟ گفت راه گلوم رو باز می‌کنه».

- پرسه‌زنی، پارک‌گردی

بیشتر پاسخگویان به دلایل مختلفی مدرسه را ترک کرده‌اند و یا از آن اخراج شده‌اند. اخراج از مدرسه از یکسو و عدم جذب در مشاغل مناسب و یا مجموعه‌های اجتماعی می‌تواند افراد را به سمت پرسه‌زنی سوق دهد، روی آوردن به پارک‌ها، زیرگذر، پشت بام، میادین شهر و مراکز خرید عمدتاً نتیجه عدم دسترسی جوانان به فضاهای دیگر است. از این رو آنها سعی می‌کنند از پارک‌ها و خیابان‌ها برای خود فضایی به دور از استیلای خانواده ایجاد کنند تا با همالان

خود، به معاشرت پردازند. برای این‌گونه جوانان پارک یک قلمرو و نوعی وابستگی است و در آنجاست که حسی از هویت خاص را می‌یابند.

مصاحبه‌های عمیق آشکار ساخت که قسمت اعظم فعالیت جوانان در پارک چیزی نیست جز «وقت گذراندن» کما اینکه مریم ۱۵ ساله می‌گوید:

«پاتوقم پارک طالقانیه... پارک خوابیدیم خیلی مزه می‌داد کشیک می‌دادیم بیداری می‌شدیم خیلی مزه می‌ده از خونه بمونی بیرون بی‌خوابی بکشی».

علیرضا می‌گوید:

«توی پارک ما کار خاصی نمی‌کردیم، تو تجمع‌های دوستی بیشتر کل کل گفت داشتیم ... هفته‌ای دو روز می‌رفتم تو پارک ساعتش بستگی به خودمون داشت ... یکی دیگه زنگ زد گفت بریم پارک اونا مشروب می‌خوردن ویسکی... بزرگترین عامل، مشروب خوردنم بود ...».

اما این پارک‌گردی‌ها می‌تواند بیشترین ظرفیت را برای هیجان ایجاد کند، یعنی آنها داوطلبانه و مصرانه دنبال این هستند که یک چیز جالبی اتفاق افتد.

اینکه پاسخگو می‌گوید «ما کار خاصی نمی‌کردیم» می‌تواند تفاسیر مختلفی داشته باشد. یکی از آن تفاسیر این است که فقدان فعالیت مفید ممکن است الهام‌بخش واکنش‌های خصمانه شود، کما اینکه رخداد قتل داداشی چیزی نیست جز یک واکنش خصمانه.

- عدم کارایی مدارس در جذب دانش‌آموزان

مدارسی که در این‌گونه محلات واقع شده‌اند بیش از آنکه در جذب و اصلاح بچه‌های آسیب‌پذیر نقش داشته باشند، طرد کننده‌اند. معمولاً این‌گونه مدارس هیچ طرح و برنامه‌ای جهت شناسایی بچه‌های آسیب‌ساز ندارند و بجای مشاوره بهنگام درصدد اخراج بچه‌ها از مدرسه بر می‌آیند. اخراج بچه‌ها از مدرسه آنها را به عرصه پرسه‌زنی، کجروی، رقیب‌بازی و سایر جرایم وارد می‌کند.

- عدم وجود مشاوره‌های محلی

به‌رغم مسائل و مشکلات عدیده‌ای که در این‌گونه محلات وجود دارد، هیچ‌گونه برنامه سازمان‌یافته و پایداری از سوی مسئولین ذی‌ربط جهت مشاوره‌های حرفه‌ای صورت نمی‌گیرد و به نظر می‌رسد که این‌گونه محلات به شدت مورد غفلت واقع شده‌اند و به نوعی از بدنه اصلی جامعه جدا افتاده‌اند.

د) ریسک فاکتورهای مرتبط با عوامل کلان اجتماعی

- فقر اقتصادی و فرهنگی

در جرم‌شناسی کلاسیک رابطه میان فقر و جرم محرز است؛ اما بسیاری از تحقیقات نشان می‌دهند که بسیاری از افراد فقیر، زندگی شرافتمندانه‌ای را در پیش می‌گیرند، شاید طرح مسئله به این صورت قابل اصلاح باشد که بسیاری از کسانی که دست به جرم می‌زنند از فقر اقتصادی و فرهنگی رنج می‌برند. مصاحبه‌های عمیق آشکار ساخت که احساس فقر و محرومیت، بیش از خود محرومیت در کجروی پاسخگویان مؤثر بوده است. معمولاً احساس محرومیت و فقر با مقایسه خود با دیگران حاصل می‌شود، اگر چه بعضی از پاسخگویان به لحاظ اقتصادی وضع بسیار خوبی نداشته‌اند اما زندگی آنها با سختی زیاد نیز همراه نبوده است ولی آنچه بیشتر آنها را به سوی کجروی فرا می‌خواند، احساس محرومیت است.

هادی این مسئله را به شکل زیر توصیف می‌کند:

«یکسری‌ها هم به خاطر فشار زیادی که خانواده روی آدم می‌داشت ... بابام قدیمی فکر می‌کرد می‌گفت خودتون باید خرج خودتون رو دربیارید خب اذیتم می‌کرد همیشه، زیر فشار می‌داشت آدم رو مثلاً به موتور می‌خواستم که همه داشتن نمی‌خرید می‌گفت خودت برو کار کن بعد زیر ذره‌بین بودیم همیشه ...».

- بیکاری

بیکاری باعث می‌شود که مردان جوان نتوانند منزلت مشروع مردانه را اخذ کنند، لذا درگیر شدن در دعوا، مواد و درگیری تنها راهی است که آنها می‌توانند با استفاده از آن مردینگی خود را اظهار کنند.

حسن معتقد است که بیکاری و دریافت پول از خانواده به شکل پنهانی، تأثیر منفی در روی آوردن وی به کسب درآمد، به هر قیمت، شده او می‌گوید:

«توی خونه رابطه‌ام با پدر و مادرم خیلی خوب بود ولی خب مثلاً پول کم بهم می‌دادن مثلاً می‌رفتم مدرسه اگه باید ۲۰ تا تک تومن می‌داد ۵ تومن می‌دادن دعوا می‌کردم و ... گفتم اینجوری فایده نداره بزار به راهی پیدا کنم پول درآرم ...».

همان‌طور که استن کوهن^۱ (استن کوهن ۱۹۷۳، به نقل از مونسی، ۳۴) می‌گوید برخی ویژگی‌ها چون فردگرایی، مردینگی و رقابت که در حالت کلی و در فرهنگ غالب ارزش اجتماعی محسوب می‌شوند برای عده‌ای ممکن است تولیدکننده‌ی جرم و کجروی باشند. البته

1. Stan Cohen

این بدان معنا نیست که خشونت در میان سایر طبقات نیست بلکه در میان طبقه کارگر، مرئی‌تر جلوه می‌کند. جرم برای مردان جوان، بیکار بجای آنکه پدیده غیر طبیعی باشد، راهی است برای بیان ارزش‌های اجتماعی معکوس شده.

- عدم توزیع عادلانه درآمد

مطابق نظریه فشار، فشار ناشی از بیکاری، عدم توزیع عادلانه درآمد و محرومیت‌های ساختی زمینه را برای افزایش خشونت در عرصه‌های عمومی و خصوصی فراهم می‌سازد.

- ضعف و ناکارآمدی قوانین اجتماعی

دستگاه‌های قانونی به عنوان یک مکانیسم کنترل‌کننده و بازدارنده باید به موقع و متناسب با رفتارهای جرمی برخورد کنند، اما به نظر می‌رسد که قانون و اجرای آن در زمینه برخورد با کجروی و خشونت‌های بین‌فردی بارها از خود نقصان و کاستی نشان داده است، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از پاسخگویان به خاطر جرایم خشن و مواد مخدر بارها به زندان افتاده‌اند اما زندان هیچ نقشی در اصلاح و تربیت آنها نداشته است. جالب‌تر آنکه دستگاه کیفری هیچ‌گونه ارزیابی از خطر ساز بودن مجرمان ندارد، لذا بسیاری از مجرمان ولو اینکه برای اجتماع بسیار خطرناک باشند بدون هیچ قید و شرطی به جامعه باز می‌گردند تا دوباره به جرم دیگری یا همان جرم دستگیر شوند.

- تبعیض‌های اجتماعی

تبعیض اجتماعی، عدم ارائه خدمات به قشرهای ضعیف جامعه، فاصله طبقاتی و عدم توزیع عادلانه درآمد و امکانات موجب شکل‌گیری احساس محرومیت و بی‌تفاوتی نسبت به سازمان اجتماعی می‌شود و افراد را به موضع تقابل با نظم می‌کشاند که ماحصل آن کجروی و ارتکاب جرم است.

- عدم توانایی دولت‌ها در تنظیم روابط اجتماعی

عدم کارایی مدارس در جذب دانش‌آموزان، فقدان شوراهای محلی، عدم نظارت رسمی و غیر رسمی، بیکاری، عدم ارائه خدمات و مشاوره‌های محلی، عدم رسیدگی به وضعیت ظاهری محله‌های جرم‌خیز، عدم کارایی سیستم کیفری در اجرای صحیح قانون و برخورد با مجرمان و عدم توانایی رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی و تقویت جامعه‌پذیری، همه نشانگر آن است که دولت در تنظیم روابط اجتماعی به جد قصور کرده است و حال آنکه مقابله با جرم و کجروی نگاهی

همه‌جانبه و ارگانیک را می‌طلبد و مستلزم همکاری دسته‌جمعی بسیاری از نهادهای اجتماعی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به مصاحبه‌های عمیق و شناسایی متغیرهای مختلفی چون ماجراجویی، هیجان‌طلبی، عدم مهارت‌های شناختی و آنی‌نگری (در سطح فردی)، نابسامانی‌های خانوادگی و عدم تعاملات صحیح (در سطح خانوادگی)، هم‌نشینی با گروه‌های کجرو، شیوع رفتارهای ضداجتماعی (در سطح محله‌ای)، بیکاری، فقر و ضعف در پروسه‌های جامعه‌پذیری (در سطح جامعه‌وی) می‌توان با ارجاع به جرم‌شناسی توسعه‌ای که فارینگتون از آن بحث می‌کند، جهت‌های ضداجتماعی که زیر عمل اجتماعی وجود دارند و توسعه می‌یابند را شناسایی کرد. اگرچه این نوع تحلیل دربرگیرنده عوامل و عناصری از تئوری‌های کلاسیک انحراف (مانند فشار، کنترل، یادگیری اجتماعی، انتخاب حسابگرانه، فرصت‌ها و موقعیت‌ها) است، اما به طور خاص بر توسعه رفتار ضداجتماعی و عواملی که پشت آن وجود دارد، تأکید می‌کند. شناسایی عوامل خطرزا و کنش و واکنش میان آنها و آثار تراکمی آنها از اهمیت خاصی برخوردار است. برای مثال این احتمال که فردی به یک مجرم سرسخت تبدیل شود با تعداد عوامل خطرزا افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، بسیاری از وقایع که در زندگی فرد اتفاق می‌افتد، می‌تواند بر توسعه کجروی و رفتار ضداجتماعی وی اثر گذارد. برای مثال اخراج از مدرسه می‌تواند آینده جرمی یک نوجوان را رقم زند و وی را به سمت پرسه‌گردی، هم‌نشینی با کجروان و ورود به زندگی جرمی بکشاند و حال آنکه در مقابل چرخش‌های مهم زندگی مانند تشکیل خانواده، عوض کردن محل زندگی و جدایی از گروه‌های همالان می‌تواند مسیر زندگی را به سوی کار و تلاش و ثبات و فاصله‌گیری از رفتارهای ضداجتماعی هدایت کند. تأکید نویسنده بر این نکته است که نباید به مجرم در نقطه نهایی زندگی‌اش نگاه کرد بلکه باید به تعاقب رفتارهای ضداجتماعی و عواملی که در سطح فردی، خانوادگی، محلی و جامعه‌وی در طول زمان بر سبک زندگی وی اثر گذاشته‌اند، توجه کرد و به این مسئله نگاه کرد که چگونه یک رفتار انحرافی از سنین پایین توسعه می‌یابد و در طول زندگی به چیزهای دیگر تبدیل می‌شود و به عبارتی باید رفتاری که سنگ بنای رفتار دیگر می‌شود و یا حتی رفتارهای غیر جرمی که می‌تواند به رفتارهای جرمی کشیده شود و یا دلالت‌هایی برای کجروی در

مراحل بعدی زندگی داشته باشد، شناسایی شود و این نحوه برخورد با موضوع می‌تواند نشانه‌های خوبی برای جلوگیری از جرم بیان کند؛ بنابراین باید ریسک‌فاکتورها در سنین مختلف مطالعه شوند. تأکید بر ریسک‌فاکتورها و شناسایی آنها به معنای اتخاذ رویکردی پیش‌بینی‌کننده است. این بدین معنی نیست که بچه‌های با ریسک بالا بعداً تبدیل به مجرمین سرسخت می‌شوند، بلکه به این معناست که درصدی از مجرمین سرسخت احتمالاً همان بچه‌هایی بوده‌اند که ریسک‌فاکتورها (در سطوح مختلف) در زندگی آنها تأثیرگذار بوده است.

منابع

- صادقی، حسین؛ شقاقی، وحید و اصغرپور، حسین (۱۳۸۴). تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران. *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۸، بهار، صفحات ۹۰-۶۳.
- صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۹). *بررسی تصور زنان نسبت به خشونت‌های خانگی*. پروژه جمعیت و توسعه دانشگاه تهران.
- صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۹). *استراتژی‌های زنان در مقابله با خشونت‌های خانگی*. *مجله مسائل اجتماعی*، دوره یک، شماره ۱.
- عبدی، عباس (۱۳۶۷). *مسائل اجتماعی قتل در ایران*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.

- Berger, Peter L (1963). *Invitation to Sociology: A Humanistic Perspective*. Garden City, NY: Anchor Books.
- Brookman, Fiona (2005). *Understanding Homicide*. Sage.
- Farrington, D. (2002). 'Developmental Criminology and Risk-Focused Prevention', in M. Maguire, R. Morgan and R. Reiner (eds). *The Oxford Handbook of Criminology*, 3rd edn, Oxford: Oxford University Press.
- Garland, David (1996). The Limits of the Sovereign State: Strategies of Crime Control in Contemporary Society, *British Journal of Criminology* No 1
- Lea, John (2002). *Crime and Modernity*. Sage.
- Lombroso, C. (1911). *Crime: Its Causes and Remedies*. Boston, MA: Little Brown.
- Mills, C. Wright. (1959). *The Sociological Imagination*. New York: Oxford University Press
- Mucchielli, Laurent (2004). Demographic and Social Characteristics of Murderers and Their Victims: A Survey on a Département of the Paris Region in the 1990s Source: *Population* (English Edition, 2002-), Vol. 59, No. 2 (Mar. - Apr. 2004), pp. 167-194 Published by: Institut National d'Études Démographiques Stable URL: <http://www.jstor.org/stable/3654902>.
- Muncie, John (2004). *Youth and Crime*. Sage.
- Parker, R. (1996). *Alcohol and Homicide*. Albany: State University of New York Press.
- Roman, Paul M. (1981). From Employee Alcoholism to Employee Assistance: An Analysis of the De-Emphasis on Prevention and on Alcoholism Problems in Work-Based Programs. *Journal of Studies on Alcohol* 43:244-72.

- Sadeghi, F, S (1996). Women and Crime in Iran, Unpublished Ph.d Thesis, Manchester University, England.
- Taylor, I., P. Walton, and J. Young. (1973). *The New Criminology*. New York: Harper & Row.

